Archive of SID

بازنمایی سریال‌های تلویزیونی و برساخت گفتمانی خانواده

DOI: 10.22067/jss.v15i2.54466

فردین محمّدی (دکتری جامعه‌شناسی،دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)
Fardin.mohammadi1@gmail.com
کمال خالق‌پناه (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران)
kkhaleghpanah@yahoo.com

چکیده

گفتمان‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای گفتمانی (مانند رسانه‌ها) و متون گفتمانی مختلف از جمله سریال‌های تلویزیونی، به بازنمایی نهادهای مختلف به‌ویژه نهاد خانواده می‌پردازند. دقت به این مهم که در سریال‌های تلویزیونی، نهاد خانواده چگونه بازنمایی می‌شود، چه گفتمان‌هایی در آن نمود می‌یابند، روابط بین گفتمان‌ها چگونه‌اند و این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی و به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند، مسأله‌ای است که تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی یکی از سریالی‌های محبوب ایرانی (سریال ستایش) به آن پاسخ دهد. در راستای پاسخ به این مسئله از نظریات نورمن فرکلاف به‌عنوان چارچوب مفهومی استفاده شد و برای گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل گفتمان انتقادی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این مجموعه سریال بیانگر تقابل گفتمانی بین دو گفتمان مذهبی و دنیاگرایی است که محور اصلی این تقابل گفتمانی، تربیت فرزندان است. این سریال با نشان‌دادن پیروزی گفتمان مذهبی، گفتمان بهتر و برتر در راستای شیوهٔ تربیت نسل جدید را معرفی می‌کند. دیگر نتیجهٔ تحقیق بیانگر آن بود که سریال «ستایش» تصویری از فرایندهای اجتماعی در جامعهٔ ایران است، زیرا در جامعهٔ ایران نیز تقابل گفتمانی بین گفتمان دنیاگرایی و مذهبی وجود دارد و هر گفتمانی بر آن است که معنای مورد نظرش را تثبیت کند. فرایند اجتماعی حاکی از تقابل طبقاتی است که حامل این گفتمان‌هاست. بر این اساس در این سریال شاهد تقابل دو طبقهٔ متوسط سنتی و

مجلهٔ علوم اجتماعی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۷۳- ۱۰۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۸ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۵/۰۲

www.SID.ir

Archive of SID

طبقهٔ بورژوازی بازاری هستیم. برای رفع این نزاع اجتماعی، گفتمان مذهبی (به مثابهٔ گفتمان حاکم) از طریق متون گفتمانی (سریال ستایش) برتری گفتمان خود را به اثبات رسانده و سوژه‌ها (والدین و جوانان) را به گفتمان خود فرا می‌خواند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، سریال ستایش، گفتمان مذهبی، گفتمان دنیاگرایی

۱. مقدمه

دگرگونی‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی جامعهٔ ایران در سدهٔ حاضر موجب تغییر روحیات و دگرگونی نگرش مردم جامعه نسبت به مسائلِ اجتماعی و پیدایش گفتمان‌های مختلف در جامعه شده است. اصطلاح گفتمان[1] معمولاً به شکلی از کاربرد زبان، یا به شیوهٔ سخن‌گفتن اشاره دارد (دایک[2]، ۱۳۸۲، ص. ١٦). به اختصار می‌توان گفتمان را شیوهٔ خاصی برای سخن‌گفتن دربارهٔ جهان و فهم آن دانست. گفتمان‌های مختلف هر یک روش خاصی برای گفتگو دربارهٔ جهان اجتماعی و فهم آن در اختیار افراد قرار می‌دهند. در گفتمان‌ها معنای زبان و ارجاعت دال‌ها متفاوت است. مثلاً در گفتمان اسلام‌گرایی دال مهمی چون حجابِ زن تقدیس شده و معنای «مصونیت» برای خود یافته است و همین دال در گفتمان لیبرالیسم تقبیح شده و معنا و مدلولی چون «محدودیتِ» زن را با خود یدک می‌کشد (صادقی فسایی و شریفی ساعی، ۱۳۹۳، ص. ۹۸-۹۹). به‌عبارت دیگر، گفتمان‌های مختلف از یک واقعهٔ یکسان، خوانش‌ها و تفاسیر متفاوت ارائه می‌دهند و همواره سعی بر آن دارند که تفسیر خود را مشروع و مقبول جلوه دهند و در این راستا با یکدیگر به منازعه می‌پردازند. یکی از عرصه‌های منازعهٔ گفتمانی در ایران، نهاد خانواده و چگونگی تربیت نسل جدید در آن است. این امر موجب گردیده که هر یک از گفتمان‌های موجود در جامعه در راستای دستیابی به اهداف گفتمانی خود ابزارهای مختلف و متعددی را به‌کار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین ابزارهای گفتمانی، رسانه‌های جمعی است، زیرا در سدهٔ معاصر، به‌واسطهٔ کشف و

1. Discourse
2. Van Dijk

www.SID.ir

Archive of SID

به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، رسانه‌ها به عمق جوامع نفوذ کرده و تأثیری بسا شگرف در جهت‌دهی افکار عمومی گذاشته‌اند؛ این تأثیر تا آنجاست که نمی‌توان زندگی را بی‌حضور آن‌ها تصور کرد. رسانه‌ها نه‌تنها منبع اصلی اطلاعات محسوب می‌شوند، بلکه در شکل‌دادن به پندارهای افراد درباره جهان پیرامونی‌شان نقش مهمی ایفا کرده‌اند (باهنر و جعفری کیذقان، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۲). به‌عبارت دیگر، رسانه‌های جمعی ابزارهایی هستند که از طریق برنامه‌های متنوع و از پیش طراحی شده خود، ارزش‌های مختلف گفتمان‌ها را در میان مردم رواج می‌دهند.

بنابراین گفتمان‌ها به کمک ابزارهای گفتمانی مانند رسانه‌ها، به بازنمایی[1] گفتمانی خود می‌پردازند. بازنمایی انعکاس و بازتاب پدیده‌ها در جهان خارج نیست، بلکه بازنمایی، استفاده از زبان برای تولید نکته‌ای معنادار دربارهٔ جهان است. هال[2] معتقد است که بازنمایی معنا و زبان را به فرهنگ ربط می‌دهد. معنا در ذات وجود ندارد، بلکه ساخته می‌شود و نتیجه و محصول یک رویه دلالتی است (هال، ۱۹۹۷، ص. ۱۵). بازنمایی به اختصار، عبارت است از تولید معنا از طریق نشانه‌ها و چارچوب‌های مفهومی و زبانی. یکی از متون گفتمانی که بر مبنای مکانیسم بازنمایی عمل می‌کند، سریال‌های تلویزیونی هستند. امروزه سریال‌های تلویزیونی به‌عنوان یکی از ژانرهای محبوب، مخاطبان زیادی را به‌خود جلب کرده است و یکی از قالب‌های مناسب برای بازنمایی و بازتولید ارزش‌ها و گفتمان‌ها به‌شمار می‌آیند (محمدی و کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۵۰)، زیرا جریان مداوم و مکرر بازنمایی سریال‌های تلویزیونی از جهان واقع، به‌طرز قوی بر ادراکات و کنش‌های مخاطبان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها می‌پندارند که این بازنمایی‌ها عین واقعیت است، اما محور اساسی در نظریه‌های بازنمایی این است که «بر خلاف ظاهر، بازنمایی عین واقعیت نیست؛ بلکه فرایند گزینش واقعیت است». دوربین تلویزیون واقعیات را رمزگذاری کرده و جهت می‌بخشد و این جهت‌گیری خاصیتی

1. Representation
2. Hall

www.SID.ir

Archive of SID

فرهنگی و ایدئولوژیکی دارد. بنابراین معنا برساخته نظام‌های بازنمایی است و پدیده‌ها فی‌نفسه معنا ندارند، بلکه معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آن‌هاست. بر مبنای چنین درکی از بازنمایی است که مفهوم گفتمان در متون تلویزیونی مطرح می‌شود، زیرا سریال‌های تلویزیونی به‌وجود آورندهٔ نوعی گفتمان هستند و گفتمان خاصی را مسلط می‌سازند. البته لازم به‌ذکر است که سریال‌های تلویزیونی ماهیت گفتمانی خود را به‌راحتی آشکار نمی‌کنند. این سریال‌ها ظاهراً فقط به منظور بازتاب صرف واقعیت تصویر می‌شوند و ربطی به ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی سیاستگذاران آن ندارند، اما در پس این ظاهر خنثی، رفتارهای گفتمانی به نمایش در می‌آیند که حکم تعریف تلویحی از واقعیت اجتماعی را دارند و در نهایت نحوهٔ فاعلیت ذهن را تعیین می‌کنند (صادقی فسایی و شریفی ساعی، ۱۳۹۳، ص. ۹۸-۹۹؛ محمدی و کریمی، ۱۳۸۹، ص. ۵۰).

سریال «ستایش» یکی از متون گفتمانی است که به بازنمایی نهاد خانواده در ایران می‌پردازد. این سریال از جمله سریال‌های تلویزیونی است که در چند سال اخیر توجه بینندگان زیادی را به‌خود جلب کرده است. پخش مجموعهٔ اول این سریال از نیمهٔ دوم سال ۱۳۸۹ آغاز شد و تا اواسط سال ۱۳۹۰ ادامه داشت و مجموعهٔ دوم آن در بهار ۱۳۹۳ شروع شد و تا تابستان سال ۱۳۹۳ ادامه داشت. این سریال در پاییز سال ۱۳۹۳ نیز در شبکهٔ «تماشا» مجدداً به نمایش گذاشته شد. این مجموعهٔ سریال دارای چند ویژگی مهم بود که عبارت‌اند از: موضوع خانوادگی (موضوع اختلاف عروس و پدر شوهر)، مسئله ازدواج، دیالوگ‌ها و اصلاحات خاص، پخش متناوب این سریال در دو مجموعه با عنوان «ستایش ۱» و «ستایش ۲»، انتخاب بازیگران برجسته مانند داریوش ارجمند، سیما تیرانداز، جمشید مشایخی، مهدی پاکدل و محمدمهدی سلوکی. چنین ویژگی‌های موجب شده بود که این مجموعه سریال توجه بینندگان فراوانی از اقشار مختلف را به‌سوی خود جلب کند. به‌طوری که گروهی از مردم نام بازیگران این سریال را برای اسم فرزندان‌شان و مغازه‌های‌شان انتخاب نمودند و برای مدتی موقت نیز اصطلاحات و دیالوگ‌های شخصیت‌های برجسته این سریال در بین

www.SID.ir

Archive of SID

عامه مردم رایج بود. با توجه به آنچه گفته شد مسئلهٔ اصلی تحقیق آن است که نهاد خانواده در این سریال چگونه بازنمایی شده است؟ چه گفتمان‌هایی در این سریال نمود یافته‌اند؟ و چه رابطه‌ای بین گفتمان‌ها وجود دارد؟ این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی و به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند؟ ایدهٔ نظری مقاله این است که با تکوین فرایندهای مدرنیته و به‌ویژه مدرنیتهٔ اجتماعی در ایران، خانواده به فضای مجادلهٔ گفتمان‌ها و طبقات اجتماعی مختلف بدل شده است و فرهنگ بازنمای این مجادله است. بر این اساس سعی خواهیم کرد این ایده را به‌واسطهٔ متون فرهنگی نشان دهیم.

۱. ۱. پیشینهٔ تجربی

مهم‌ترین تحقیقاتی که در حوزهٔ مطالعات فرهنگی پیرامون سینما و سریال‌های تلویزیونی انجام شده است به شرح ذیل می‌باشند: جعفرزاده‌پور، ساعی و جاروندی (۱۳۸۸) در تحقیقی روابط بین نسلی را در سریال‌های تلویزیونی از منظر قدرت به تفکیک جنسیت با استفاده از روش تحلیل محتوای کمی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن بود که به‌طور کلی در این مجموعه‌سریال‌ها رابطهٔ سلطه‌جویانه بیشتر از روابط سلطه‌پذیر به ثبت رسیده است و میان‌سالانِ مذکر بیشترین رابطه سلطه‌جویانه درون نسلی را داشته‌اند. ساعی (۱۳۸۹) همچنین در تحقیقی پانزده سریال تاریخی سطح الف که در سه دههٔ بعد از انقلاب از شبکه یک و دو پخش شده بودند را مورد مطالعه قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که در این مجموعه‌سریال‌ها هویت ملی ساختی ایدئولوژیک پیدا کرده است. نتایج تحقیق بشیر و اسکندری (۱۳۹۲) همچنین در زمینهٔ نحوهٔ بازنمایی نهاد خانواده در فیلم سینمایی «یه حبه قند» بیانگر آن بود که کارگردان با برشمردن تأثیر عناصر مثبتِ تجدد و سنت بر خانواده ایرانی، نگاهی صرفاً انتقادی نسبت به این دو مقوله را رد می‌کند و در نهایت ایده‌ئال‌ترین شکل خانواده را همراهی عناصر سنت و مُدرن در کنار یکدیگر معرفی می‌کند.

در تحقیقی دیگر کوثری و عموری (۱۳۹۲) سریال‌های تاریخی «حریم سلطان» و «الفاروق‌العمر» که توسط ترکیه و عربستان ساخته شده بودند را مورد بررسی قرار دادند.

www.SID.ir

Archive of SID

نتایج بیانگر آن بود که این دو سریال با طرد گفتمان انقلاب اسلامی درصدد برساخت هویت ترکیبی (ترکیبی از دین اسلام و مدرنیته) می‌باشند. نتایج تحقیق فرجی، گیویان و فاضلی (۱۳۹۲) همچنین در زمینهٔ بازنمایی زندگی روزمرهٔ جوانان در سریال «فاصله‌ها» بیانگر آن بود که در این سریال، برخوردی گزینشی و متعصبانه با زندگی روزمرهٔ جوانان صورت گرفته است و ضمن گروه‌بندی جوانان به سنتی و مدرن، مرز میان «ما» و «آن‌ها» مشخص شده است. صادقی فسایی و شریفی ساعی (۱۳۹۳) همچنین در تحقیقی با استفاده از روش نشانه‌شناسی، شیوه‌های بازنمایی روابط دختر و پسر را در سه سریال پُر بینندهٔ ایرانی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان داد که این روابط در سه قاب گفتمانی سنتی، نیمه سنتی و مدرن بازنمایی شده‌اند، به گونه‌ای که هر کدام از این گفتمان‌ها روابط دختر و پسر را براساس گفتمان خاص خود بازنمایی کرده‌اند که مغایر با گفتمان‌های دیگر است. در تحقیقی دیگر بهمنی و سجودی (۱۳۹٤) با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی نحوهٔ کدگذاری هویت مردانهٔ مردان سریال تلویزیونی «ستایش» را مورد بررسی قرار دادند. مهم‌ترین نتایج این پژوهش عبارت بود از این که مردان در این مجموعه، به‌طور کلی در سه گروه مردان سلطه‌گر، سلطه‌پذیر و مستقل بازنمایی شده‌اند که حضور مردان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بیش از مردان مستقل در این مجموعه انعکاس یافته است. همچنین بازنمایی صورت گرفته از مردان در این سریال، مشروعیت پدرسالاری را به چالش کشیده است. در نهایت نتایج تحقیق کوثری و عسکری (۱۳۹٤) نیز در زمینهٔ بازنمایی خانوادهٔ ایرانی از منظر روابط جنسیتی و نسلی در آگهی‌های تلویزیون، بیانگر آن بود که تبلیغات تلویزیونی در وجهٔ ذهنی قدرت با نمایش افکارهای ذهنی همخوان با نظام مردسالار و در وجهٔ عینی با نمایش کلیشه‌هایی که مردان و والدین تصمیم نهایی را می‌گیرند، به بازتولید شکاف قدرت و نابرابری در روابط خانوادگی می‌انجامند.

www.SID.ir

Archive of SID

در تحقیقات خارجی نیز، نتایج تحقیق فانگ و اریک[1] (۲۰۰۰) در زمینهٔ بررسی تفکرات کلیشه‌ای جنسیتی در برنامه‌های تلویزیونی هنگ‌کنگ بیانگر آن بود که تفکرات قالبی دربارهٔ جنسیت در میان مردم و برنامه‌های تلویزیونی به وضوح قابل مشاهده است و تلویزیون کلیشه‌های جنسیتی را منطقی و برخاسته از واقعیت جلوه می‌دهد و با نشان‌دادن این نقش‌های کلیشه‌ای این‌گونه تفکرات را بازتولید می‌کند. میجر[2] (۲۰۰۱) همچنین در تحقیقی بازنمایی ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای قومی را در سریال‌های پُر بیننده آلمانی را مورد مطالعه قرار داد. نتایج بیانگر آن بود که این سریال‌ها تصویری منفی از اقلیت‌ها و قومیت‌ها را بازنمایی می‌کنند. نتایج تحقیق جاستون[3] (۲۰۱۰) در راستای بررسی شیوه بازنمایی زنان در روابط عمومی در نُه برنامهٔ تلویزیونی ایالات متحده و انگلستان، حاکی از آن بود که این سریال‌ها، زنان را در چارچوب نظریه‌های فمنیستی و پسافمنیستی نشان می‌دهند و زنان اکثر یا مجرد هستند یا مطلقه. در نهایت دیوت[4] (۲۰۱٤) در تحقیقی با استفاده از روش نشانه‌شناسی چگونگی بازنمایی زنان در سینمای هالیوود را مورد بررسی قرار داد. نتایج تحقیق نشان داد که زنان در سینمای هالیوود در سه ژانر مستقل، قدرتمند و فعال بازنمایی شده‌اند. این بازنمایی حاکی از تصویر مثبت زنان در سینمای هالیوود است. مرور پیشینهٔ تجربی تحقیق بیانگر آن است که رسانه‌های جمعی همواره به مثابهٔ ابزارهای گفتمانی در راستای بازنمایی و تثبیت معنا مورد استفاده قرار گرفته‌اند. وجه تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات مذکور آن است که درصدد چگونگی بازنمایی خانواده به مثابهٔ یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه در سریال‌های تلویزیونی است، در حالی که در تحقیقات مذکور این جنبه نادیده گرفته شده است و بیشتر به موضوعاتی از قبیل جنسیت، هویت و قومیت پرداخته‌اند.

1. Fang & Eric
2. Meijer
3. Johnston
4. Dutt

www.SID.ir

Archive of SID

۲. چارچوب مفهومی: نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

یکی از رویکردهای برجسته در تحلیل گفتمان انتقادی[1]، رویکرد نورمن فرکلاف[2] است که در مقایسه با دیگر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی «منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرطرفدارترین نظریه را تدوین کرده است» (سلطانی، ۱۳۸٤، ص. ٦۰). فرکلاف معتقد است گفتمان‌ها به بازتولید قدرت کمک می‌کنند و بر این اساس، به‌دنبال آن است که دریابد چگونه روابط قدرت به بازتولید گفتمان‌هایی دربارهٔ جنسیت، نژاد و قوم می‌انجامد (یورگنسن و فیلیپس[3]، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۵–۱۲۳). فرکلاف از طریق مفهوم چند کارکردی‌بودن زبان این فرض نظری را عنوان می‌دارد که متون و گفتمان‌ها برساخته‌های اجتماعی هستند: «کاربرد زبان همواره به‌طور همزمان متشکله‌ای از هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورداشت‌ها است». کارکرد ایده‌ای زبان، نظام‌های دانش را می‌آفریند. در مقابل، کارکرد بین شخصی گفتمان، سوژه‌های اجتماعی را با هویت‌ها یا روابط بین آن‌ها می‌سازد. وی تأکید دارد که زبان صرفاً یک برساختهٔ اجتماعی نیست، بلکه چون امری از نظر اجتماعی تعیین شده نیز دیده می‌شود. فرکلاف این رابطه بسیار پیچیده را با استفاده از مفهوم «نظم گفتمانی» تعریف می‌کند. نظم گفتمانی عبارت است از ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به‌کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۹)؛ بنابراین نظم گفتمانیِ یک قلمرو اجتماعی، بر تامیت انواع گفتمان‌ها و روابط بین آن‌ها در این قلمرو دلالت دارد (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۱٤۸). می‌توان نظم گفتمانی را مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلفی دانست که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند، قلمرویی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پرکردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۰). به‌همین دلیل فرکلاف معتقد است که یک نظم

1. Critical Discourse Anelysis
2. Fairclough
3. Jorgensen & Philips

www.SID.ir

Archive of SID

گفتمانی، نظامی با ثبات نیست، بلکه نظامی باز است و با تغییر شرایط تغییر می‌کنند (ایمان، ۱۳۹۱، ص. ۲۰۹).

از نظر فرکلاف زمانی که در یک تحقیق بر نظم گفتمانی واحد متمرکز می‌شویم، گفتمان‌های متفاوت و رقیب درون یک قلمرو واحد را می‌توان تحلیل کرد و می‌توان بررسی کرد کدام گفتمان حاکم است؟ و چه کشمکشی میان گفتمان‌های مختلف وجود دارد؟ بنابراین محققی که نظم گفتمانی را چارچوب تحلیلی خود قرار می‌دهد، برخورد میان گفتمان‌های موجود در آن نظم گفتمانی به کانون تحلیل وی بدل خواهد شد. این امر «یک مزیت محسوب می‌شود چون در این برخورد پیامدهای اجتماعی آشکارتر می‌شوند. هنگامی‌که در قلمرو واحدی دو یا چند گفتمان برداشت‌های متفاوتی از جهان ارائه می‌کنند، پرسشگر می‌تواند این سؤال را مطرح کند که اگر برداشتی به‌جای دیگری برگزیده شود، چه پیامدهایی به‌همراه خواهد داشت» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۲۳٦). همچنین لازم به ذکر است در یک نظم گفتمانی عمل‌های گفتمانی مشخصی وجود دارند که متن و گفتگو را آن‌ها تولید و مصرف یا تفسیر می‌کنند. عمل گفتمانی فرایندی است که افراد را برای تولید و مصرف متون به‌کار می‌گیرند. فرکلاف معتقد است که در تحلیل گفتمانی علاوه‌بر نظم گفتمانی بایستی به رخداد ارتباطی نیز توجه نمود. رخداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان از قبیل مقالهٔ روزنامه، فیلم‌سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی است. بنابراین هر کاربرد زبانی، یک رخدادی ارتباطی است. تحقیق از طریق تحلیل رخداد ارتباطی در رابطه با نظم گفتمانی انجام می‌گیرد. «هر رخداد ارتباطی به منزلهٔ گونه‌ای از عمل اجتماعی برای بازتولید یا به چالش‌کشیدن نظم گفتمانی عمل می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ص. ۱۱۹-۱۲۳). هر رخدادی ارتباطی از سه بُعد تشکیل می‌شود: متن (گفتار، نوشتار، تصویر بصری یا ترکیبی از این‌ها)، عمل گفتمانی که تولید و مصرف متن را در برمی‌گیرد و عمل اجتماعی.

هر تحلیل گفتمانِ رخدادهای ارتباطی باید هر سه این بُعد را پوشش دهد. بدین ترتیب چنین تحلیلی باید بر موارد زیر متمرکز شود: ۱. ویژگی‌های زبان متن (متن)؛ ۲. فرایندهای

www.SID.ir

Archive of SID

مرتبط به تولید و مصرف متن (عمل گفتمانی)؛ ۳. عمل اجتماعی که رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (عمل اجتماعی). تحلیل متن بر خصوصیات صوری (از قبیل کلمات، گرامر، نحو و انسجام جمله) متمرکز می‌شود؛ خصوصیاتی که باعث شکل‌گیری زبانی گفتمان‌ها و ژانرها می‌شوند. رابطهٔ متون با عمل اجتماعی با وساطت عمل گفتمانی برقرار می‌شود. بدین ترتیب از طریق عمل گفتمانی است که متون به‌وجودآمده و به‌وسیلهٔ عمل اجتماعی شکل پیدا می‌کنند. آن گفتمان‌ها و ژانرهایی که برای تولید متن در کنار یکدیگر مفصل‌بندی شده‌اند و دریافت کنندگان آن متن برای تفسیر آن از همین گفتمان‌ها و ژانرها کمک می‌گیرند، ساختار زبانی خاصی دارند که تولید و مصرف متن را شکل می‌دهند. بدین ترتیب تحلیل رخدادهای ارتباطی شامل موارد زیر است:

- تحلیل گفتمان‌ها و ژانرهایی که در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی شده‌اند (سطح پرکتیس گفتمانی)؛
- تحلیل ساختار زبانی (سطح متن)

ملاحظات مربوط به این که عمل گفتمانی، نظم گفتمانی موجود را بازتولید و یا به عکس ساختاربندی مجدد می‌کند و ملاحظات مربوط به پیامدهایی که این امر برای پرکتیس اجتماعی گسترده‌تر به‌همراه دارد (سطح عمل اجتماعی). (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۵-۱۲۳).

با استفاده از چارچوب مفهومی در تحقیق حاضر، سعی بر آن است که ضمن مشخص نمودن گفتمان‌های موجود در رخداد ارتباطی مورد بررسی و رابطه آن‌ها با یکدیگر، نحوهٔ بازنمایی خانواده نیز مورد بررسی قرار گیرد و ارتباط آن با فرایندهای نهادی و اجتماعی جامعه ایران مورد تبیین و تفسیر قرار گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. روش تحقیق

در این تحقیق برای پاسخ به مسئلهٔ تحقیق از روش تحلیل گفتمان انتقادی (با تأکید بر تحلیل گفتمان فرکلاف) استفاده گردید و واحد تحلیل نیز دیالوگ‌های بازیگران می‌باشد. با توجه به این که این روش دارای سه مرحلهٔ توصیف، تفسیر و تبیین است، ابتدا در مرحلهٔ توصیف بار ارزشیِ (ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی) کلمات تعیین شد، سپس براساس آن‌ها نوع گفتمان‌های موجود در سریال مشخص گردید. در مرحلهٔ تفسیر نیز محتویات متن مورد تفسیر قرار گرفت و بافت موقعیتی، نوع گفتمان و نظم گفتمانی تعیین گردید. در نهایت در مرحلهٔ تبیین شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی که در شکل‌گیری گفتمان‌های مذکور نقش داشتند، مشخص شدند و نشان داده شد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را تعین می‌بخشند؛ به‌عبارت دیگر، در این مرحله تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کنندهٔ گفتمان در دو سطح اجتماعی و نهادی مورد بررسی قرار گرفتند.

۳. ۱. فرایند انتخاب متن

در روش فرکلاف به‌علت توجه به جزئیات متن، زمان زیادی برای تحلیل متون صرف می‌شود. در نتیجه محققی که از روش فرکلاف استفاده می‌کند باید «به شکل استراتژیکی متن‌های خود را برای تحلیل انتخاب کند. برای اینکه بتوان انتخاب استراتژیکی داشت حتماً باید ابتدا گفتمان‌ها و نظم‌های گفتمانی را از طریق بررسی اولیهٔ متون مربوط، شناسایی کرد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۸). در این تحقیق سریال تلویزیونی «ستایش» به دلیل‌داشتن ویژگی‌هایی از قبیل: وجود گفتمان‌های مختلف در باب خانواده، تحدید حد و مرزهای گفتمانی و جدال گفتمانی به مثابهٔ رخداد ارتباطی انتخاب گردید.

۳. ۲. خلاصهٔ سریال ستایش

سریال «ستایش» داستانِ دختر و پسر جوانی (ستایش و طاهر) است که برخلاف میل والدین‌شان با هم ازدواج می‌کنند. به‌همین‌دلیل هر دو از سوی خانواده‌هایشان طرد می‌گردند. آن‌ها خیلی زود صاحب یک دختر و یک پسر می‌شوند. پسردارشدن آن‌ها توجه حشمت

www.SID.ir

Archive of SID

فردوس (پدر طاهر) را به‌خود جلب می‌کند، تا آنجا که تصمیم به بخشیدن آن‌ها می‌گیرد. این امر موجب می‌شود که انیس، زن برادر طاهر (همسر صابر) درصدد توطئه علیه آن‌ها بر آید و به همراه برادرش (صفایی) و یک فرد معتاد به‌نام غلامی به جاسازی مواد مخدر در کامیون طاهر اقدام کنند و مشخصات کامیون را به پلیس مبارزه با مواد مخدر اطلاع دهند. مأموران بعد از شناسایی کامیون، مواد جاسازی شده را پیدا می‌کنند و طاهر نیز با دیدن مأمورها فرار می‌کند و بعد از چند روز تعقیب و گریز در اثر سانحه تصادف فوت می‌کند.

بعد از مرگ طاهر، ستایش تصمیم می‌گیرد که خودش به تنهایی و بدون کمک پدرشوهرش فرزندانش را بزرگ کند، اما حشمت فردوس خواستار قیومت نوه‌هایش می‌شود و به‌همین‌خاطر از ستایش شکایت می‌کند. با برگزاری چندین جلسه دادگاه، قاضی رأی نهایی را مبنی بر حضانت پسربچه تا دو سالگی و حضانت دختربچه تا هفت سالگی به نفع ستایش صادر می‌کند، اما بعد از سپری‌شدن این مدت زمان قانونی بایستی هر دو فرزند به پدر بزرگِ پدری (حشمت فردوس) تحویل داده شوند. حشمت فردوس از ترس این که مبادا ستایش بعد از اتمام مدت قانونی فرار کند و بچه‌ها را تحویل ندهد، یک نفر را صورت مخفیانه مأمور نگهبانی از خانه ستایش می‌نماید. ستایش و پدرش با آگاه‌شدن از نقشهٔ حشمت فردوس از تهران به‌سمت شمال فرار می‌کنند و به‌همراه پدرش در یک کمپ به‌عنوان سرآشپز و انباردار استخدام می‌شوند، اقدامات ستایش و حاج آقا نادری در آنجا موجب دشمنی گروهی از کارگران و لو رفتن مخفی‌گاه آن‌ها می‌شود، اما ستایش و پدرش قبل از رسیدن حشمت فردوس از کمپ فرار می‌کنند.

بدین ترتیب ستایش از ترس اینکه مبادا فردوس مجدداً آن‌ها را تعقیب کند به یکی از شهرهای شمال کشور (رامسر) نزدیک روستای پدربزرگش می‌رود و زندگی جدیدی را شروع می‌کند. بعد از گذشت بیست سال فرزندان ستایش بزرگ می‌شوند. محمد پسر ستایش با اجازه مادرش برای کسب درآمد به تهران می‌آید و به دلیل آشنایی قبلی که با حشمت فردوس دارد به‌عنوان کارگر مغازه او استخدام شده و شبانه در همان مغازه می‌خوابد. در

www.SID.ir

Archive of SID

یکی از شب‌ها چند کارگر قصد دزدی از گاوصندوق حشمت فردوس را می‌کنند. محمد متوجه موضوع می‌شود و مانع دزدی می‌گردد. این اتفاق او را نزد حشمت فردوس محبوب‌تر می‌کند. حضور ناگهانی ستایش در محل کار محمد و دیدار غیرمنتظره ستایش و حشمت فردوس همه‌چیز را برای محمد آشکار می‌کند. از سوی دیگر، صابر نیز برای جلب رضایت زنِ جدیدی که قصد ازدواج با او را دارد، ابتدا به‌صورت پنهانی وکالت تام از پدرش گرفته و موجودی گاو صندوق (پول و دسته چک و اسناد املاک) را خالی می‌کند، سپس همهٔ دارایی پدرش را به اسم خودش کرده و قسمتی از این دارایی را نیز به‌صورت رسمی به آن خانم واگذار می‌نماید. همسر جدید صابر برای انتقام از حشمت فردوس و خانواده‌اش، فردوس را از خانه و مغازه‌اش بیرون می‌کند. با از دست‌دادن اموالش، حشمت فردوس به‌همراه محمد خانه‌اش را ترک می‌کند.

٤. توصیف داده‌ها

در این مرحله بار ارزشی کلمات به لحاظ ارزش‌های تجربی و بیانی مشخص گردید. برای تعیین بار ارزش‌های تجربی کلمات از تکنیک تضاد معنایی استفاده گردید که نتایج ذیل به‌دست‌آمد: خدا در مقابل پول، تربیت دینی در برابر تربیت غیر دینی، قدرت پول در مقابل قدرت خدا، استمداد مادی‌گرایانه در مقابل استمداد معنوی، فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، دنیای مادی و آرزوهای مادی در مقابل دنیای غیرمادی، دزدی و کسب پول از راه نامشروع در برابر امانت‌داری دقیق، دنیای پول در برابر دنیای غیرپول، علاقه به پول و حفظ آن در مقابل علاقهٔ مذهبی، خیانت به‌خاطر پول در مقابل نهی از منکر در رابطه با پول، خودمداری در برابر عدالت‌محوری، زیاده‌طلبی در برابر قناعت.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۱. بار ارزشی مفاهیم

ردیف	ارزش تجربی	عبارت تأییدی
۱	قدرت پول	دخترِ صابر: بگو چقدر؟ قفل، چقدر باید بهت بدیم که یه قفل محکم روی دهنت بذاری؟
	قدرت خدا	خدا کشتی را آنجا خواهد برد اگر ناخدا جامه از تن درد.
۲	خودمداری	ستایش: حشمت فردوس نه دزده، نه قاتل، نه جنایتکار، فقط دوس داره بادی نوزه که بهش ضرر برسونه.
	عدالت محوری	آگه من هم در این کمپ در برابر این بی‌عدالتی‌هایی که می‌بینم سکوت کنم، بخاطر این که یه سرپناهی داشته باشم با حشمت فردوس فرقی ندارم.
۳	دزدی	یه فریدون بود و یه انبار، هر زیر و رویی که می‌خواستی انجام می‌دادی.
	امانتداری	از زمانی که نادری انبار رو تحویل گرفته دونه دونه میخ‌ها رو می‌شمره.
٤	بازار	از همین فردا پسربچه طاهر رو میارمش میدون که چم و خم کار دستش بیاد.
	نماز	فتح‌اله خان: تا امروز پسره من بوده، از امروز میشه پسره تو، اهل هیچی نیست، اهل کار و خانه است. تا امروز نه نمازش ترک شده، نه روزه‌اش قضا.
٥	پول محوری	آقای دکتر من از در اتاقت تا دم خونه‌ات، اسکناس فرش می‌کنم فقط جون این بچه رو نجات بده.
	خدامحوری	طاهر: ستایش بچه‌هام رو اول به خدا بعد به تو می‌سپارم.
٦	دنیای پول	توی دنیای این آقا هیچی قشنگ نیست، دنیای این آقا (حشمت فردوس) دنیای پول است.
	دنیای غیرپولی	من نمی‌خوام بچه‌هام تو دنیای این آقا بزرگ بشن.
۷	خیانت	صابر: الو تو اتاق پدرمم. پری سیما: خوب خالیش کن. صابر: باشه.
	وفاداری	آگه مادرم بگه شبه، میگم شبه و اگر بگه روزه، میگم روزه.

عبارت‌بندی افراطی نوع دیگری از ارزش تجربی در سطح توصیف متن می‌باشد که در این تحقیق مورد استفاد قرار گرفت. این عبارت‌ها در جدول زیر ذکر شده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۲. عبارت‌بندی افراطی

ردیف	عبارت‌های افراطی
۱	آقای دکتر من از در اتاقت تا دم خونه‌ات، اسکناس فرش می‌کنم فقط جون این بچه رو نجات بده. همه داروندار و همه مال و منال حشمت فردوس تا قرون آخر مال منه، آگه آسمون زمین بیاد، زمین به آسمون بره، دنیا لم یکن بشه، حتی خدا هم نمی‌تونه. از شیرمرغ تا جون آدمیزاد رو براش تهیه می‌کنم. براش آدم ردیف می‌کنم که از دم دواخونه تا جلوی خونه شیرخشک رو دست به دست بیارند. زیر پاش نه خاک، اسکناس فرش می‌کنم. یه انباری می‌خرم که تا سقفش شیرخشک بچینم. از همین فردا پسربچه طاهر رو میارمش میدون که چم و خم کار دستش بیاد.
۲	از زمانی که نادری انبار رو تحویل گرفته دونه دونه میخ‌ها رو می‌شمره. آگه مادرم بگه شبه، میگم شبه و اگر بگه روزه، میگم روزه. حشمت فردوس: پس خودت چی می‌پوشی؟ محمد: هیچی من پا برهنه هم راه می‌رم.

فرکلاف معتقد است تفاوت میان انواع گفتمان به لحاظ ارزش‌های بیانی کلمات با دیگر کلمات به لحاظ ایدئولوژیک معنادار است. گوینده به بیان ارزش‌های خود از طریق طرح‌های طبقه‌بندی می‌پردازد که تا حدودی نظام‌های ارزشیابی به‌حساب می‌آیند و همچنین طرح‌هایی به لحاظ ایدئولوژیک متضادی وجود دارند که ارزش‌های متفاوت را در انواع گفتمان‌های مختلف متجسم می‌سازند (فرکلاف،۱۳۷۹، ص. ۱۸۲). در گفتمان اول این ارزش‌های بیانی در مفاهیم ارزش‌شدن پول، انسان‌گرایی، بازاری‌شدن و فردگرایی تجلی یافته‌اند و در گفتمان دوم در مفاهیم خدامحوری، آخرت‌محوری، جمع‌گرایی، عدالت‌محوری و نگرش مذهبی تجلی یافته‌اند.

٤. ١. تعیین گفتمان

بررسی ارزش‌های بیانی و تجربی دیالوگ‌های متن بیانگر وجود دو گفتمان متفاوت در رخداد ارتباطی (سریال تلویزیونی) است. ارزش تجربی مفاهیم قدرت پول، استمداد مادی‌گرایانه، دنیای مادی و آرزوهای مادی، دزدی و کسب پول از راه نامشروع، علاقه به

www.SID.ir

Archive of SID

پول و حفظ آن، خیانت به‌خاطر پول، خودمداری، زیاده‌طلبی، ارزش‌شدن پول، انسان‌گرایی، بازاری‌شدن و فردگرایی بیانگر آن است که گفتمان دنیاگرایی بر گفتمان اول (جامعه‌ای که حشمت فردوس نمایندهٔ برجسته آن است) حاکم است. گفتمان دنیاگرایی گفتمانی است که محور مرکزی آن را پول و ارزش‌های مادی تشکیل می‌دهد. در این گفتمان همهٔ اعضای جامعه برای دستیابی به پول تلاش می‌کنند و همه‌چیز را با آن می‌سنجند و معیار و ملاک رفتار مردم پول و ارزش‌های مادی است. اعضای این گفتمان برای رسیدن به اهداف خود از پول و قدرت پول استفاده می‌کنند، به‌طوری‌که پول به اندازهٔ خدا دارای قدرت است و جایگزین خدا شده است. در این گفتمان همه‌چیز محور پول و اقتصاد قرار گرفته است و فردگرایی و خودمداری ستایش شده است.

- انیس: «همه داروندار و همهٔ مال و منال حشمت فردوس تا قرون آخر مال منه، آگه آسمون زمین بیاد، زمین به آسمون بره، دنیا لم یکن بشه، حتی خدا هم نمی‌تونه».
- حشمت فردوس: «این پولی که تو جیبشه مال خودشه، من بهش دادم، پول آدم‌فروشیه، رفیقش رو به من فروخت».
- صابر: «من که کمیتهٔ امداد نیستم، این چند سالی هم که فروخته پولش رو گرفته، مفتکی نفروخته، من بابت اون بار یه قرون هم نمی‌دم».

ارزش‌های بیانی و تجربی گفتمان دوم بیانگر وجود گفتمان مذهبی (به نمایندگی ستایش) است. گفتمان مذهبی گفتمانی است که محور مرکزی آن را مذهب، خدا و ارزش‌های معنوی تشکیل می‌دهند و رفتار و اعمال تمام اعضای جامعه بر اساس احکام دینی و الهی است. معیار و محور تمام رفتارهای انسان‌ها قوانین الهی و دینی است. براساس این گفتمان خودمداری نهی شده و تعاون و همکاری و تقدیرگرایی مورد تأکید قرار گرفته است. در این گفتمان پول و سایر ارزش‌های مادی دارای ارزش ثانوی است و اعضای جامعه تلاش

www.SID.ir

Archive of SID

چندانی برای دستیابی به آن نمی‌کنند و بیشتر درصدد دستیابی بـه سـعادت اُخـروی هسـتند. همچنین در این گفتمان جمع‌گرایی و احترام به ائمه اطهار ستایش شده است.

- طاهر: «ستایش بچه‌هام رو اول به خدا بعد به تو می‌سپارم».
- ستایش: «چرا این‌جوری خواسته نمی‌دونم، چرا این‌جوری نوشته نمی‌دونم، چرا خواستهٔ ما سه تا زیر یه سقف جم بشیم نمی‌دونم، اما هر چی هـس نمـی‌خـوام باهاش بجنگم چون که خودش خواسته».
- حاج آقا نادری: «خدا نخواست که امانت‌دار خوبی باشم».
- فتح‌اله خان: «میگن امروز عاشوراسـت، خـون ریخـتن حرومـه، اون کسـی کـه یوسف منو از خیمه انداخته بیرون، امشب رو صدقه سـر ابـا عبداللـه تـا صـُب می‌تونه سر کنه، فردا می‌خوامش».

٤. ۲. مرحلهٔ تفسیر

زمینهٔ گفتمانی که حاکی از تقابل گفتمان‌های دینی و دنیاگرایی دارد، در موقعیت دهه‌های اخیر در ایران معنا پیدا می‌کند. پس از پایان جنگ و شروع بازسازی جامعهٔ ایران، پویایی‌های فرهنگی به‌واسطهٔ تحصیلات و دگرگونی‌هـای اجتمـاعی بـه‌واسـطهٔ جوانـان و زنـان، نزاعـی گفتمانی را در ایران نمایان کرد که از آن روز به بعد به مضمون بنیـادی بسـیاری از فرم‌هـای فرهنگی بدل شد. پیامدهای این امر را می‌توان در رابطه با ابعـاد مختلـف زنـدگی اجتمـاعی نشان داد، یعنی از طریق دگرگونی نسلی، دگرگونی ارزشی، تقابل‌های ارزشی و به‌طور کلـی اخلاق. سریال «ستایش» بیانگر آن است رابطه‌ای کـه بـین دو گفتمـان دنیـاگرایی و گفتمـان مذهبی وجود دارد، یک رابطهٔ تقابلی است. به‌عبارت دیگر، این مجموعه سریال بیانگر تقابـل دو گروه با دو گفتمان متفاوت است؛ یک گروه با گفتمان مذهبی (بـا نماینـدگی سـتایش) و گروه دیگر با گفتمان دنیاگرایی (با نمایندگی حشمت). هر کدام از این گروه‌ها بـا توجـه بـه گفتمان خود در راستای دستیابی به اهداف و ارزش‌ها و آرمان‌های خـود تلـاش مـی‌کننـد و همین امر موجب شده که به رقابت با هم پرداخته و در مقابل هم قرار گیرند، اما ایـن تقابـل

www.SID.ir

Archive of SID

گفتمانی در چه شکل و قالبی به نمایش درآمده است؟ به‌عبارت دیگر، این تقابل گفتمانی بر سر چه مسأله‌ای است؟ آن چه در این مجموعه سریال منجر به تقابل این دو گفتمان شده، فرزندان طاهر (به‌ویژه پسربچه) است. البته نه‌خود فرزندان، بلکه شیوهٔ تربیت فرزندان محور تقابل گفتمانی این سریال است. محور تربیت به‌مثابهٔ تقابل گفتمانی در دیالوگ‌های زیر به تصویر کشیده شده است:

- طاهر: «ستایش بچه‌هام رو اول به خدا بعد به تو می‌سپارم، نذار بچه‌هام با مرام حشمت فردوس بزرگ شن ... بچه‌هام رو با قاعدهٔ پدرت بزرگ کن نه با قاعدهٔ حشمت فردوس. گوش کن ستایش آگه به نون شب هم محتاج شدی نذار بچه‌هام برن زیر چتر حشمت فردوس. من آگه یه ذره آدمیت هم دارم همه‌ش به‌خاطر مادرمه نه پدرم». (آخرین دیالوگ طاهر و ستایش).
- ستایش: «توی دنیای این آقا هیچی قشنگ نیست، دنیای این آقا (حشمت فردوس) دنیای پوله. من نمی‌خوام بچه‌هام تو دنیای این آقا بزرگ بشن». (دیالوگ ستایش، حشمت فردوس و قاضی در یکی از جلسات دادگاه)
- حشمت فردوس: «دوس دارم بچه طاهر رو بغل کنم، صابر می‌خوام از همین فردا با خود ببرمش میدون که چم و خم کار دستش بیاد». (دیالوگ حشمت فردوس با صابر در دفتر وکیل هنگام خبر دستگیری ستایش).

بنابراین می‌توان گفت ماجرای اصلی در رخداد ارتباطی انتخاب شده تقابل، رقابت و تضاد گفتمان‌ها برای تعیین شیوهٔ تربیت فرزندان است و به‌همین دلیل است که دو گروه از والدین که هر کدام در یک گفتمان خاصی قرار دارند، برای تحقق‌بخشی به اهداف خود و غلبه بر دیگری به رقابت و تقابل با یکدیگر می‌پردازند. مهم‌ترین این تقابل‌ها عبارت‌اند از:

تقابل اول: اجیرکردن/جذب‌کردن

این تقابل را که می‌توان اولین تقابل جدی ستایش و حشمت فردوس دانست، زمانی رخ می‌دهد که حشمت فردوس از ترس این که مبادا ستایش به‌همراه نوه‌هایش فرار کند و دیگر

www.SID.ir

Archive of SID

اجازه ندهد که نوه‌هایش را ببیند، فردی به‌نام قاسم که یک هندوانه فروش است را اجیر کرد که با فروختن هندوانه در محل سکونت ستایش به‌طور غیر مستقیم اعمال و رفتار ستایش را زیر نظر بگیرد و روزانه به او گزارش دهد. در مقابل هر روز هندوانه را به نصف قیمت بازار از او بخرد. قاسم برای یک مدت طولانی به‌طور غیرمستقیم ستایش و حاج آقا نادری را زیر نظر می‌گیرد، اما رفتار محبت‌آمیز و دلسوزانهٔ ستایش نسبت به پسربچه‌های قاسم موجب می‌گردد که قاسم در مورد تصمیم خود مبنی بر کنترل و گزارش کارهای روزانهٔ ستایش تجدید نظر کند و ستایش را از نقشهٔ حشمت فردوس مبنی بر محروم‌کردن ستایش از دیدن بچه‌هایش بعد از اتمام مدت قانونی آگاه سازد؛ بنابراین ستایش به‌همراه پدر و بچه‌های فرار می‌کند.

دومین مورد در تقابل اجیرکردن/ جذب‌کردن، زمانی آغاز شد که ستایش و حاج آقا نادری فعالیت کاری خود را در کمپ به‌عنوان سرآشپز و انباردار آغاز کرده بودند و خیلی زود ستایش به‌خاطر دفاع از حق کارگران و حاج آقا نادری به‌خاطر امانت‌داری دقیق مورد احترام مهندس رحمانی و سایر کارگران قرار گرفتند، اما این اقدامات موجب آزردگی گروهی دیگر از کارگران به رهبری فریدون گردید، زیرا ستایش با اقدامات خود (نظارت دقیق بر آشپزخانه و کیفیت غذا) و حاج آقا نادری با امانت‌داری دقیق خود کانال‌های دزدی از شرکت را به‌روی فریدون و گروهش مسدود کرده بودند. به‌همین‌دلیل فریدون درصدد برداشتن حاج آقا نادری و ستایش بر سر راه اهداف خود برآمد و هنگامی که غلامی با دیدن عکس طاهر در خانه ستایش، راز ستایش را نزد فریدون آشکار نمود، فریدون برای تحقق‌بخشیدن به اهداف مادی‌گرایانه خود به‌همراه غلامی به محل کار حشمت فردوس رفت و با او ملاقات و مذاکره نمود. اما مجید که از نقشه و توطئهٔ آن‌ها با خبر بود و تحت تأثیر نصایح حاج آقا نادری قرار گرفته بود، ستایش را از نقشهٔ فریدون آگاه ساخت و ستایش توانست به‌همراه خانواده‌اش و به کمک مهندس رحمانی قبل از رسیدن حشمت فردوس و

www.SID.ir

Archive of SID

مأموران نیروی انتظامی از کمپ فرار کند. فرار ستایش و ناکامی حشمت فردوس بیانگر پیروزی موقت گفتمان مذهبی بر گفتمان دنیاگرایی است.

تقابل دوم: خیانت

این تقابل زمانی آغاز شد که پاسگاه اکبرآباد به ستایش مشکوک شد و او را بازداشت نمود و از خانوادهٔ حشمت فردوس برای شناسایی متهمان به پاسگاه فراخوانده شدند و صابر به نمایندگی از حشمت فردوس به پاسگاه آمد، ولی علی‌رغم شناسایی ستایش، به‌خاطر دستیابی به همه دارایی پدرش شناسایی او را انکار نمود و ستایش از بازداشت آزاد شد. این تقابل بیانگر آن است که اعضای گفتمان دنیاگرایی برای رسیدن به مادیات و ثروت بیشتر حاضر هستند که به هم‌دیگر خیانت کنند، حتی اگر مال و ثروت کافی نیز داشته باشند، زیرا زیاده‌خواهی یکی از ویژگی‌های گفتمان دنیاگرایی است. آزادشدن ستایش از بازداشت و خیانت صابر به پدرش در شناسایی ستایش بیانگر یکی دیگر از پیروزی‌های گفتمان مذهبی بر گفتمان دنیاگرایی است.

تقابل سوم: تربیت فرزندان

تقابل نهایی بین گفتمان‌ها در این مجموعهٔ سریال در دو بُعد نمایان است: فساد اخلاقی/سلامت اخلاقی فرزندان و پایداری نسلی/ جهش نسلی.

بُعد اول: فساد اخلاقی/ سلامت اخلاقی فرزندان

تقابل نهایی بین این دو گفتمان بیست سال طول کشید و نتیجه آن بعد از بیست سال مشخص گردید؛ یعنی زمانی که نتیجه شیوهٔ تربیت گفتمان مذهبی (به نمایندگی ستایش) و گفتمان دنیاگرایی (به نمایندگی حشمت فردوس و صابر) مشخص شده است. این نتیجه در رفتار فرزندان ستایش و دخترهای صابر و خود صابر نمایان است. به‌طوری‌که دخترهای صابر به فساد کشیده شده‌اند و مواد مخدر استعمال می‌کنند و تا دیر وقت در پارتی هستند و با پسرها وقت‌گذرانی می‌کنند.

- «حشمت فردوس: ببین! می‌دونی مثل کیا هستی صابر؟

www.SID.ir

Archive of SID

- صابر: نه آقا
- حشمت فردوس: عین طوافایی ! چرخ طوافی دیدی؟ یه وقتی من یکیشو داشتم، یک سال طوافی می‌کردم. بهار چاقاله بادوم و گوجه سبز بار می‌کنن، تابستون سیب و گیلاس و زردآلو میفروشن! پاییز زالزالک و ازگیل، (پوزخند صابر) زمستون که بشه لبوفروش میشن. خلاصه هر فصل خورَند اون فصل کار و ریختشون عوض میشه. تو عین اونایی صابر.
- صابر: میشه بگین چرا؟
- حشمت فردوس: بله که میشه! پاش که برسه و بهونه‌اش جور بشه، تو این خونه دلنگ و دولونگ راه می‌ندازی، تن دخترات لباسای تیتیش مامانی می‌کنی و یه وجب از پایین دامنشونو قیچی می‌زنی و حالا هر کی که باهاشون هست! تولده، عیده، شب یلداست هرچی که هست تا اله صبح تو این خونه بزن و بکوب راه میندازی، پاش که بیفته چشمتو رو اون سرخاب سفیدآبیایی که دخترات عین کاهگل می‌مالن رو صورتشون می‌بندی. پاش که بیفته یادت میره که روسری واسه پوشوندن موست، نه چراغونی‌کردن سر منار! پاش که بیفته ماهی ۲۰۰ هزار تومن پول تلفن جیبی دختراتو میدی. ببین! جرأتم نداری که بپرسی این ۲۰۰ هزار تومنو این یه الف بچه با کی اختلاط می کنه؟ پاش که بیفته با یه قوره سردیت می‌کنه با یه مویز گرمیت میزنه بالا.»

یا در دیالوگ دخترهای صابر با محمد در داخل اتومبیل:

- «دختر صابر: تو که کارهای ما رو پیش بابام نمی‌گی؟ اینکه کجا میریم. چه‌کار می‌کنیم.
- محمد: من کارمند باباتون نیستم، ولی آگه آقا فردوس بپرسن نمی‌تونم دروغ بگم.

www.SID.ir

Archive of SID

- دختر صابر: بگو چند؟ چقدر؟ قفل، چقدر باید بهت بدیم که یه قفل محکم روی دهنت بذاری؟»

فردگرایی و و خیانت‌کردن، واگذارکردن اموال پدر بدون کسب اجازه و قناعت‌نکردن و خوش‌گذرانی و هوسبازی نیز یکی دیگر از نتایج شیوهٔ تربیت گفتمان دنیاگرایی است.

- «صابر: بابام رو واضی کردم، دارم با خودم میارمش اونجا، امضا کنه، همه‌چیز حاضره!
- پری‌سیما: صابر صدبار گفتم تو همه‌چیز رو به‌من بسپار، من دارونـدار حشمت فردوس رو به نامت می‌زنم.»

این درحالی‌است که نازگل، دختر ستایش، از مادرش حرف‌شنویی کامل دارد. به‌همین‌خاطر خواستگاری اولیه یکی از اساتید خودش را به‌خاطر مخالفت مادرش رد کرد:

- «آگه مادرم بگه شبه، میگم شبه و اگر بگه روزه، میگم روزه.»

و محمد، پسر ستایش، نیز دانشجوی کشاورزی است و در کنار تحصیل با رعایت امورات شرعی و قانونی به کسب درآمد می‌پردازد و هنگامی‌که در مغازه حشمت فردوس به‌عنوان کارگر کار می‌کرد به‌خاطر این که در امانت صاحب مغازه‌اش خیانت نشود و مسئولیت خود را به‌خوبی انجام دهد جان خود را به خطر انداخت و زخمی شد و با وجود زخمی‌شدن اجازهٔ ورود به داخل مغازه را به کسی نمی‌داد که مبادا در امانتی که به او واگذار کرده‌اند خللی وارد شود:

- «نباید جلو، هیشکی حق نداره بیاد جلو، زنگ بزنید به رستم یا آقا فردوس، به‌جز این دو تا هیشکی حق نداره بیاد جلو.»
- یا صحبت‌های فردوس به صابر در مورد محمد
- حشمت فردوس: ببین! این پسره حیاش از صد تا دختر بیشتره. اون شوفر منه، تو خونهٔ منم می‌مونه اگرم خیلی غیرت داری بچه‌های خودتو جمع و جور بکن. افتاد؟

www.SID.ir

Archive of SID

بُعد دوم: پایداری/جهش نسلی

تقابل نهایی (تربیتی) در بُعد پایداری/جهش نسلی نیز نمایان است. منظور از پایداری نسلی، انتقال نگرش و ارزش‌های نسل گذشته به نسل جدید و حفظ آن توسط نسل جدید است و منظور از جهش نسلی، تحول و دگرگونی شدید ارزش‌ها و نگرش‌های نسل جدید با نسل گذشته است. در گفتمان دنیاگرایی به دلیل محوری‌ودن پول و ارزش‌های پولی، جهش نسلی پدید می‌آید. به‌عبارت دیگر، پول و ویژگی‌های خاص آن موجب می‌شود نسلی که در گفتمان دنیاگرایی پرورش می‌یابند، در راستای دستیابی با اهداف گفتمانی خود بسیار افراطی‌تر از نسل گذشته عمل نمایند. به‌طوری‌که در راستای دستیابی به پول و ارزش‌های مادی همهٔ ارزش‌های دیگر را زیر پا بگذارند و یک دنیاگرای خالص شوند. خلوص دنیایی نسل جدید به‌گونه‌ای است که در راستای دستیابی به اهداف گفتمانی خود نسل قدیم این گفتمان و بستگان خود را نیز فدا می‌کنند.

- **پری‌سیما (خطاب به انیس)**: «آدمای امروز آدمای امروزن که آدمای دیروز به گرد پاشون هم نمی‌رسن. تو دله دزد بودی من خود خود شادزدم، تو دنبال دونه بودی من همه خرمن رو می‌خوام. فرق من و تو آینه، تو پس مونده‌های حشمت فردوس رو می‌خواستی، من زیر و روی حشمت فردوس رو می‌خوام. فرق آدمای دیروز و امروز آینه. آدم بدهای دیروز یه ناخالصی داشتند، مروت نه، معرفت هم نیست، انصاف هم نیست، فقط ناخالصی. انیس خانم بد باید بد باشه، سیاه باید سیاه باشه، شیطان باید خود شیطان باشه. آدم بدهای امروز این طورین».

در حالی‌که در گفتمان مذهبی نسل جدید نسبت به نسل قدیم پایدار و وفادار هستند. سکانس آخر این سریال بیانگر ویژگی وفاداری و پایداری اعضای گفتمان مذهبی است، یعنی هنگامی‌که چند نفر موتور سوار کفش‌های حشمت فردوس را دزدیدند و محمد کفش‌هایش را به پدربزرگش داد.

www.SID.ir

Archive of SID

- حشمت فردوس: پس خودت چی می‌پوشی؟
- محمد: هیچی من پا برهنه هم راه می‌رم.

همه این موارد بیانگر پیروزی نهایی گفتمان مذهبی بر گفتمان دنیاگرایی است. علاوه بر این موارد دیالوگ حشمت فردوس هنگام بیرون‌آمدن از بیمارستان بیانگر شکست گفتمان دنیاگرایی و بازگشت به گفتمان مذهبی است.

- حشمت فردوس در حال نگاه به آسمان: «به خودت قسم خیلی رو سیاهم. چاکرتم، عبدتم، عبیدتم».

٤. ٣. نظم گفتمانی

در این رخداد ارتباطی استراتژی مورد استفاده از گفتمان دنیاگرایی عبارت است از استراتژی پولی‌شدن و بازاری‌شدن. با استفاده از این استراتژی اعضای گفتمان درصدد دستیابی به پول هستند و سعی می‌کنند همهٔ مشکلات خود را با پول حل کنند، اما استراتژی مورد استفاده گفتمان مذهبی استراتژی وفاداری، اخلاق‌محوری و دین‌محوری است.

٤. ٤. میان گفتمانیت

میان گفتمانیت عبارت است از گفتمان‌هایی که در درون گفتمان‌های اصلی وجود دارد و واقعیت را بازنمایی می‌کند. در این رخداد ارتباطی نویسنده گفتمان پول‌محوری و بازاری‌شدن را در درون گفتمان دنیاگرایی قرار داده است و گفتمان اخلاق‌محوری، عدالت‌محوری، تقدیرگرایی و دین‌محوری را در درون گفتمان مذهبی قرار داده است.

٤. ٥. مرحلهٔ تبیین

محور اصلی سریال «ستایش» تقابل گفتمانی بر سر موضوع فرزندان و شیوهٔ تربیت آن‌ها است؛ البته شیوهٔ تربیت نسل جدید. مسئله شیوهٔ تربیت نسل جدید که در این مجموعهٔ سریال به‌تصویر کشیده شده، فقط مسئله اصلی یک مجموعه سریال نیست، بلکه یکی از دغدغه‌های ذهنی والدین و یکی از چالش‌های جامعه ما می‌باشد. در مورد شیوهٔ تربیت نسل جدید گفتمان‌های متفاوتی در جامعه ما وجود دارد که هرکدام در مورد شیوهٔ تربیت

www.SID.ir

Archive of SID

دیدگاه‌های مختلفی دارند که موجب سردرگمی خانواده‌ها و خودِ جوانان شده تا آنجا که جوانان با بحران هویت مواجه شده‌اند. در بین گفتمان‌های فعال در جامعه، گفتمان‌های مذهبی و دنیاگرایی قدرت بیشتری دارند، به‌طوری‌که گفتمان مذهبی گفتمانِ حاکم بر جامعه نیز می‌باشد. گفتمان مذهبی در باب تربیت فرزندان نیز بر این باور است که شیوهٔ صحیح تربیت، تربیت دینی است. با به‌کارگیری شیوه‌های تربیت دینی مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام ما می‌توانیم شاهد فرزندان سالم و صالح در جامعه باشیم و وجود چنین فرزندانی نه‌تنها موجب پیشرفت و ترقی کشور می‌گردد، بلکه سبب می‌شود که والدین از یک سو، به آینده خود امیدوار باشند، زیرا فرزندان صالح همانند عصایی برای دوران پیری والدین می‌باشند و به والدین خود خیانت نمی‌کنند و وفادارند و تا آخرین لحظات زندگی از والدین‌شان مراقبت و حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، وجود چنین فرزندانی موجب می‌شود که والدین به آیندهٔ فرزندان‌شان نیز امیدوار باشند، زیرا مطمئن هستند با توجه به آموزه‌های دینی و مذهبی می‌توانند در امتحان‌های زندگی سربلند شده و روی پای خود بایستند و سعادت دنیوی و اُخروی را به دست بیاورند.

از دیدگاه گفتمان دنیاگرایی شیوهٔ تربیتی صحیح آن است که فرزندان ما طوری تربیت شوند که راه و رسم پول درآوردن را یاد گرفته باشند و فرزندان خوب فرزندانی هستند که بتوانند ثروت بیشتری به‌دست بیآورند و در راستای کسب پول تلاش کنند؛ بنابراین در جامعهٔ امروزی ایران به‌دلیل وجود گفتمان‌های مختلف نوعی تقابل گفتمانی وجود دارد که با هم در رقابت هستند و هر کدام درصدد گسترش کمی و کیفی خود می‌باشند. این تقابل گفتمانی موجب شده تا خانواده‌ها و جوانان با دیالکتیک‌ها و چالش‌های ذهنی در انتخاب‌های مهم زندگی مانند مسئله تربیت مواجه شوند. برای رفع این دیالکتیک گفتمانی، گفتمان حاکم از طریق رسانه اقدام به ساخت و تهیهٔ سریال‌های تلویزیونی از جمله سریال «ستایش» نموده است. سریالی که بیانگر راه برون‌رفت از این دیالکتیک و تقابل گفتمانی است؛ بنابراین چارچوب نهادی این متن به نهاد خانواده تعلق دارد، اما این نهاد عرصه تقابل دو نهاد مذهب

www.SID.ir

Archive of SID

و بازار می‌باشد و این دو گفتمان بخشی از منازعه میان مذهبیون (سنت‌گرایان) و دنیاگرایان (مدرنیست‌ها) می‌باشد. مذهبیون بر این باورند که تربیت نسل آینده بایستی بر اساس اصول دین اسلام باشد، اما دنیاگرایان معتقدند که نسل آینده را باید براساس اصول بازار تربیت نمود. صداوسیما نیز به‌عنوان بافت موقعیتی این نزاع گفتمانی و اجتماعی بر این امر دلالت می‌کند که این نزاع بخشی از تحولات نهادی و اجتماعی جامعه ایران است که از سوی گفتمان رسمی به‌عنوان انحراف و تهدید تلقی می‌شود. بنابراین اگرچه این نزاع به‌عنوان نزاعی ارزشی تعریف می‌شود، اما تحلیل گفتمانی سریال گویای این امر است که این نزاع ارزشی خود نزاعی اجتماعی و طبقاتی است و واسطهٔ این امر فرایندهای مدرنیزاسیون و بسط فرایندهای سرمایه‌دارانه در سراسر جامعه و از جمله خانواده است. بنابراین این مجادله ریشه در فضای اجتماعی دارد که در سریال به‌صورت یک تقابل طبقاتی به تصویر کشیده شده است؛ یعنی به لحاظ اجتماعی، این نزاع گفتمانی بر نزاعی اجتماعی بین طبقات دلالت می‌کند؛ نزاع طبقهٔ متوسط سنتی و طبقهٔ بورژوای بازاری.

۵. نتیجه‌گیری

مجموعه سریال «ستایش» یکی از متون فرهنگی است که چارچوب نهادی آن به نهاد خانواده تعلق دارد و درصدد بازنمایی نهاد خانواده است. تصویر خانواده در این سریال به‌گونه‌ای است که بستر آن و عناصر نهادی آن به‌ویژه «تربیت نسل جدید»، مورد منازعهٔ گفتمان‌های مذهبی و دنیاگرایانه واقع شده است؛ به‌عبارت دیگر، در این سریال نهاد خانواده عرصه تقابل دو نهاد مذهب و بازار می‌باشد. به‌طوری‌که هرکدام از این گفتمان‌ها خوانش و تفسیر متفاوتی از شیوهٔ تربیت نسل جدید در نهاد خانواده دارند و همواره سعی بر آن دارند که تفسیر خود را مشروع و مقبول جلوه دهند و در این راستا با یکدیگر به تقابل می‌پردازند و درصددند که با تثبیت معنای تربیت نسل جدید بر گفتمان دیگر غلبه کنند. در راستای تثبیت معنا هر کدام از آن‌ها از استراتژی‌های خاص خود استفاده می‌کنند. به‌طوری‌که گفتمان

www.SID.ir

Archive of SID

دنیاگرایی از استراتژی‌های «پولی‌شدن و بازاری‌شدن» و گفتمان مذهبی از استراتژی‌های «وفاداری، اخلاق‌محوری و دین‌محوری» استفاده می‌کنند.

سریال «ستایش» با نمایش تقابل‌های گفتمانی مانند تقابل‌های اجیرکردن/ جذب‌کردن، خیانت و تربیت فرزندان، نزاع‌های گفتمانی در نهاد خانواده را به‌تصویر می‌کشد و با نشان‌دادن نتایج این تقابل‌ها، بازنمایی خانواده را به کمال می‌رساند. به‌طوری‌که این سریال نشان می‌دهد خیانت صابر به پدر (که منجر به از دست‌دادن همهٔ دارایی و آوارگی حشمت فردوس شد)، به فساد کشانده‌شدن فرزندان صابر و پنهان‌کاری‌های آن‌ها، عذاب وجدان انیس و پشیمانی انیس از رفتار گذشتهٔ خود، از نتایج تربیت فرزندان به شیوهٔ گفتمان دنیاگرایی است و امانت‌داری محمد (که موجب زخمی شدنش شد)، چشم پاکی وی، حرف‌شنوی فرزندان ستایش و کسب پول و درآمد از راه حلال نیز نتایج گفتمان مذهبی است. مقایسهٔ این نتایج بیانگر برتری گفتمان مذهبی در مقابل گفتمان دنیاگرایی است. همچنین این سریال نشان می‌دهد که در گفتمان دنیاگرایی به دلیل محوری‌بودن پول و ارزش‌های پولی، جهش نسلی پدید می‌آید؛ به‌عبارت دیگر، پول و ویژگی‌های خاص آن موجب می‌شود نسلی در گفتمان دنیاگرایی پرورش یابند که در راستای دستیابی با اهداف گفتمانی خود بسیار افراطی‌تر از نسل گذشته عمل نمایند. خلوص دنیایی نسل جدید به‌گونه‌ای است که در راستای دستیابی به اهداف گفتمانی خود نسل قدیم این گفتمان و بستگان خود را نیز فدا می‌کنند. در حالی‌که در گفتمان مذهبی نسل جدید نسبت به نسل قدیم پایدار و وفادار هستند. بنابراین این سریال با نشان‌دادن نتایج تقابل گفتمانی در زمینهٔ تربیت نسل جدید، گفتمان بهتر و برتر در راستای شیوهٔ تربیت نسل جدید را نشان می‌دهد.

این مجموعه‌سریال با نشان‌دادن پیروزی و موفقیت ستایش در همهٔ تقابل‌ها، مردم را در انتخاب گفتمان در شیوهٔ تربیت نسل جدید راهنمایی یا هدایت می‌کند و نشان می‌دهد که انتخاب گفتمان دنیاگرایی و شیوهٔ تربیت مبتنی بر آن منجر به داشتن فرزندان فاسد می‌شود که نه‌تنها مایهٔ شرمساری می‌شوند، بلکه موجب آوارگی و ورشکستگی نیز می‌شوند، ولی

www.SID.ir

Archive of SID

انتخاب گفتمان مذهبی و شیوهٔ تربیت مبتنی بر آن منجر بـه داشـتن فرزنـدان صـالح، متقـی، حرف‌شنو، با ادب و با ایمان می‌شود که می‌توان به داشتن آن‌ها افتخار کرد.

از دیگر نتایج تحقیق آن است که سریال «ستایش» تصـویری از فراینـدهای اجتمـاعی در جامعهٔ ایران است، زیرا در جامعهٔ ایران نیز تقابل گفتمانی بین گفتمـان دنیـاگرایی و مـذهبی وجود دارد و هر گفتمانی بر آن است که معنای مورد مـورد نظـرش را تثبیـت کنـد و سـایر معانی دیگر را به میدان گفتمانی براند؛ به‌عبارت دیگر، مسئلهٔ شیوهٔ تربیت نسل جدید کـه در این مجموعه سریال به‌تصویر کشیده شده، فقط مسئله اصلی یـک مجموعـه سـریال نیسـت، بلکه یکی از دغدغه‌های ذهنی والدین و یکی از چالش‌های جامعهٔ ما می‌باشد، زیرا در مـورد شیوهٔ تربیت نسل جدید در جامعهٔ ما گفتمان‌های متفاوتی وجود دارد کـه هرکـدام در مـورد شیوهٔ تربیت دیدگاه‌های مختلفی دارند که موجب سردرگمی خانواده‌ها و خودِ جوانـان شـده تا آنجا که جوانان با بحران هویت مواجه شده‌اند. بنابراین در جامعه امـروزی ایـران بـه‌دلیـل وجود گفتمان‌های مختلف نوعی تقابل گفتمانی وجود دارد که با هم در رقابت هسـتند. ایـن تقابل گفتمانی موجب شده تا خانواده‌ها و جوانـان بـا دیالکتیک‌هـا و چالش‌هـای ذهنـی در انتخاب‌های مهم زندگی مانند مسئلهٔ تربیت مواجه شوند. برای رفع این دیالکتیـک گفتمـانی، گفتمان حاکم (گفتمان مذهبی) از طریق رسانه اقدام به ساخت و تهیه سریال‌های تلویزیـونی از جمله سریال «ستایش» نموده است. سریالی که در آن تقابل گفتمانی بین گفتمان دنیاگرایی و مذهبی، با برتری گفتمان مذهبی خاتمه می‌یابد؛ بنابراین گفتمان حاکم (گفتمان مذهبی) بـا استفاده از متون فرهنگی (سریال ستایش) گفتمان رقیب را به چالش کشیده و برتری گفتمان خود را به اثبات رسانده و سوژه‌ها (والدین و جوانـان) را بـه گفتمـان خـود فـرا می‌خوانـد (استیضاح)، اما استیضاح سوژه‌ها یک استیضاح مستقیم نیست، بلکه استیضـاحی غیرمسـتقیم است. استراتژی غیرمسـتقیمی کـه گفتمـان حـاکم بـا اسـتفاده از آن بـه استیضـاح سـوژه‌ها می‌پردازد، استراتژی «هُشدار گفتمانی» است. در این استراتژی، گفتمان حـاکم بـا اسـتفاده از چنین متونی به سوژه‌ها هُشدار می‌دهد که انتخـاب گفتمان‌هـایی بـه‌جـز گفتمـان حـاکم بـا

www.SID.ir

Archive of SID

پیامدهای منفی (برای فرد و جامعه) همراه است و با نشان‌دادن این پیامدهای منفی سوژه‌ها را به گفتمان خود فرامی‌خواند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که زمینه گفتمانی که حاکی از تقابل گفتمان‌های دینی و دنیاگرایی دارد، در موقعیت دهه‌های اخیر در ایران معنا پیدا کرده است و به مضمون بنیادی بسیاری از فرم‌های فرهنگی بدل شده است و در سریال «ستایش» به شکل نزاع ارزشی نمایان شده است؛ به‌عبارت دیگر، منازعه‌های ارزشی در سریال ستایش، بخشی از تحولات نهادی و اجتماعی جامعه ایران است که از سوی گفتمان رسمی به‌عنوان انحراف و تهدید تلقی شده است. بنابراین اگرچه این نزاع در سریال به‌عنوان نزاعی ارزشی تعریف شده است، اما تحلیل گفتمانی سریال گویای این امر است که این نزاع ارزشی خود نزاعی اجتماعی و طبقاتی است و واسطهٔ این امر فرایندهای مدرنیزاسیون و بسط فرایندهای سرمایه‌دارانه در سراسر جامعه و از جمله خانواده است. بنابراین این مجادله ریشه در فضای اجتماعی دارد که در سریال به‌صورت یک تقابل طبقاتی به تصویر کشیده شده است. یعنی لحاظ اجتماعی، این نزاع گفتمانی بر نزاعی اجتماعی بین طبقات دلالت می‌کند؛ نزاع طبقهٔ متوسط سنتی و طبقهٔ بورژوای بازاری. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که متن این مجموعه سریال یک متن اجتماعی است که به بازنمایی نهاد خانواده می‌پردازد.

بنابراین دوربین تلویزیون واقعیات را صرفاً ضبط نمی‌کند، بلکه آن را رمزگذاری می‌کند. رمزگذاری به واقعیت جهت می‌دهد و این جهت‌گیری خاصیتی فرهنگی و ایدئولوژیکی دارد؛ این بدان معناست که معنا برساخته نظام‌های بازنمایی است و پدیده‌ها فی‌نفسه معنا ندارند، بلکه معنای پدیده‌ها محصول چگونگی بازنمایی آن‌هاست. بر مبنای چنین درکی از بازنمایی است که مفهوم گفتمان در متون تلویزیونی مطرح می‌شود، زیرا سریال‌های تلویزیونی به‌وجود آورندهٔ نوعی گفتمان هستند. نتایج تحقیق حاضر از آنجا که نشان می‌دهد که از یک سو، سریال‌های تلویزیونی با بازنمایی و تثبیت معنا سعی در بازتولید یا به چالش‌کشیدن گفتمان‌های مختلف در جامعه را دارند و از سوی دیگر، متون فرهنگی، همواره متون اجتماعی به‌شمار می‌آیند، مؤید نظریهٔ فرکلاف می‌باشد و از آن جهت که به مثابهٔ یک

www.SID.ir

Archive of SID

متن فرهنگی ایده‌ال‌ترین شکل خانواده و تربیت نسل جدید را نشان می‌دهد، مؤید نتایج تحقیق بشیر و اسکندری (۱۳۹۲) است و از آنجا که آشکار می‌سازد که متون فرهنگی همواره به مثابهٔ ابزارهای گفتمانی به‌کار گرفته می‌شوند، مؤید تحقیقات فرجی، گیویان و فاضلی (۱۳۹۲)، بهمنی و سجودی (۱۳۹٤)، تحقیق کوثری و عسکری (۱۳۹٤)، میجر (۲۰۰۱)، جاستون (۲۰۱۰) و دیوت (۲۰۱٤) می‌باشد.

کتابنامه

۱. ایمان، م. (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. باهنر، ن.، و جعفری کیذقان، ط. (۱۳۸۹). تلویزیون و تأثیرات کاشتی آن بر هویت فرهنگی ایرانیان. *فصلنامهٔ تحقیقات فرهنگی*، ۳(٤)، ۱۳۱- ۱٥٦.

۳. بشیر، ح.، اسکندری، ع. (۱۳۹۲). بازنمایی خانواده ایرانی در فیلم سینمایی یه حبه قند. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ٦ (۲)، ۱٤۳- ۱٦۱.

٤. بهمنی، م.، سجودی، ف. (۱۳۹٤). بازنمایی هویت جنسیتی مردانه در مجموعه تلویزیونی ستایش. *فصلنامه رادیو تلویزیون*، ۱۱ (۲٦)، ۱۷۰-۱٤۹.

٥. جعفرزاده‌پور، ف، ساعی، م. و جاروندی، ر. (۱۳۸۸). الگوهای قدرت در روابط بین نسلی، بازنمایی سریال‌های ایرانی، مطالعه شبکهٔ ۱ و ۳. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۳(۲)، ۱۱۹-۱۳۷.

٦. ساعی، م. (۱۳۸۹). بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعهٔ موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران). *دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری*، ۷، ۱۱۳-۱٤۲.

۷. سلطانی، ع. ا. (۱۳۸٤). *قدرت، گفتمان و زبان: سازو کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نی.

۸. صادقی‌فسایی، س.، و شریفی‌ساعی، م. (۱۳۹۳). تقابل سنت و مدرنیته؛ کشمکشی گفتمانی در الگوهای بازنمایی. *نشریهٔ زن در فرهنگ و هنر*، ٦(۱)، ۹٥-۱۱۸.

۹. فرجی، س.، گیویان، ع.، و فاضلی، ن. (۱۳۹۲). بازنمایی زندگی روزمره جوانان در سریال فاصله‌ها. مجله *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ٤(٤)، ۱۰٥-۱۳۸.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۰. کوثری، م.، و عسکری، ا. (۱۳۹٤). بازنمایی خانوادهٔ ایرانی از منظر روابط جنسیتی و نسلی در آگهی‌های تلویزیونی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، *۸*(٤). ۲٦- ۱.

۱۱. کوثری، م.، و عموری، ع. (۱۳۹۲). تعریف از خود و ساخت دیگری، مطالعه پسااستعماری سریال‌های حریم سلطان و الفاروق العمر. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۳(۲)، ۱٤۳- ۱٦٦.

۱۲. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی، ضد روش۲. تهران: جامعه‌شناسان.

۱۳. دایک، ت. ا. (۱۳۸۹). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*. ترجمهٔ پیروز ایزدی و دیگران. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

۱٤. یورگنسن، م.، و فیلیپس، ل. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمهٔ هادی جلیلی. تهران: نی.

15. Dutt, R. (2014). *Behind the curtain: Women's representations in contemporary Hollywood*. London, England: LES.
16. Fung, A., & Ma, E. (2000). Formal vs. informal use of television and sex-role stereotyping in Hong Kong. *Sex Roles, 42*(1-2), 57-81.
17. Hall, S. (1997). *Representation; cultural reperesentation and singnifying practices*. London, England: Sage Publications.
18. Johnston, J. (2010). Girls on screen: How film and television depict women in public relation. *Prism*, *7*(4), 1-17.
19. Meijer, I. C. (2001). The color of soap opera: An analysis of professional speech on the representation of etnicity. *Europian Journal of Cultural Studies*, *4*(2), 207-230.

www.SID.ir